

شرق روزنامه

نگاه

کابوس افغانستان را پایانی نیست

اردشیر ز ارغی قنوتانی

وضعیت سیاسی و نظامی در افغانستان در ماه‌های اخیر به دلیل افزایش حملات گروه «طالبان» به شهرها و مناطق سوق‌الجیشی و همچنین تشدید شکاف در ساختار «حکومت وحدت ملی» بیش از پیش دچار بحران و مشکلات اساسی شده است. تهاجمات سریالی نیروهای طالبان به ولایات پشتون‌نشین قندهار، هلمند، ننگرهار، قندوز و فراه که به‌تازگی حتی دامنه آن به ایالت‌های شمالی از جمله فاریاب و مزارشریف هم رسیده است، هرچند در چارچوب جنگ‌های دوره قبل از زمستان از آن یاد می‌شود، ولی تشدید آن در سال ۲۰۱۶ نشان می‌دهد که در این کشور امنیت به سراسیمی سقوط نزدیک می‌شود. از طرف دیگر با تشدید بحران و کاهش امنیت در افغانستان، دولت حاکم در کابل به‌واسطه نظام شراکتی کنونی و گسترش اختلافات در بین مقامات ارشد این کشور نه‌تنها فاقد «قدرت بازدارندگی» و حفظ ثبات که حتی زمینه‌ساز برهم‌خوردن توازن حداقلی قبلی در راستای نفوذ بیشتر شورشیان طالبان بوده است. بدون تردید افغانستان از یک مشکل بنیادین در ساختار سیاسی – اجتماعی از جمله «دنبالگی قومی» خود رنج می‌برد که هر برنامه و سیاست حکومتی را برای سامان‌بخشی به امور کشور نقض می‌کند. از طرف دیگر، قدرت‌گیری طالبان هم‌زمان با تشدید اختلافات در دولت وحدت ملی به ریاست «محمد اشرف غنی» یک رابطه تنگاتنگ و ارگانیک با هم دارند که بررسی انتزاعی هرکدام از دو موضوع بدون درنظرگرفتن این ارتباط و ضعف سیستم، می‌تواند به هرج‌ومرج حاکم بیشتر دامن بزند.

این وضعیت بی‌ثباتی و بحران‌زا در چارچوب ساخت سیاسی – اجتماعی افغانستان از آنجا که به‌شدت تحت‌تأثیر رقابت‌های منطقه هم قرار دارد و به‌خصوص پاکستان منافع خود را در رقابت با رقیب سنتی خود، هند، در بی‌ثباتی افغانستان جست‌وجو می‌کند، بیش از پیش امکان کاهش تنش و رسیدن به مصالحه ملی را مسدود کرده است. به همان نسبت که بخشی از تصمیمات سیاسی افغانستان در کابل اتخاذ می‌شود، به همان نسبت شهر کویته در بلوچستان پاکستان به‌عنوان پایتخت نیروهای شورشی طالبان حالت دولت در تبعیدی را نمایندگی می‌کند که نقش بدیل را بازی کرده و بالطبع تصمیمات حکومتی در کابل را خنثی می‌کند.

تمایل رهبران تنکوترات حامی اشرف غنی و همچنین رهبران جهادی نزدیک به «عبدالله عبدالله»، رئیس اجرایی حکومت، به‌نوعی از قومیت‌گرایی که پشتون‌ها را در مقابل قومیت‌های شمالی و غربی افغانستان قرار می‌دهد، هم‌اکنون موجب چن‌دجندستی در ساختار سیاسی کابل شده است. این انشقاق حتی از دوگانه غنی – عبدالله هم فراتر رفته و در هفته‌های اخیر با اظهارات ژنرال «عبدالرشید دوستم» معاون اول رئیس‌جمهوری، در متهم‌کردن غنی به گرایشات قومی درباره انتخاب کارگزاران حکومتی و «احمد ضیا مسعود»، نماینده ویژه رئیس‌جمهوری در امور اصلاحات و حکومت‌داری خوب، درخصوص هشدار به غنی و عبدالله مبنی بر اینکه اگر به اختلافات بین خود پایان ندهند، مردم مجبور می‌شوند گزینه جدید سیاسی را برای کنارزدن آنان پیدا کنند، نشان از وضعیت بغرنج این کشور دارد.

تازه اینکه در ماه‌های اخیر با تمرکز نگه گروه تروریستی «داعش» به افغانستان، یک جبهه جدید نیز در این کشور گشوده شده است که در منطقه «پنجیراگام» در جنوب‌شرق جلال‌آباد و همچنین ولسوالی «اچین» این گروه پایگاه‌های بزرگی را برای خود تدارک دیده است. اختلافات بین ارکان نظام سیاسی در افغانستان آنچنان تشدید شده است که حتی در جلسه علنی مجلس نمایندگان که برای رسیدگی به این اختلافات تشکیل شد، بسیاری از این نمایندگان به‌صراحت تأکید کردند «اختلاف بر سر قدرت و منابع دولتی باعث گسترش اختلافات میان رهبران حکومت وحدت ملی افغانستان و ناگامی آنان در اداره امور مملکت شده است». در وضعیت کنونی با توجه به «نا‌رشی» حاکم بر نظم جهانی، تعمیق اختلافات منطقه به‌خصوص بین پاکستان و هند به‌عنوان همسایگان افغانستان، شکست مذاکرات صلح با طالبان، ورود هیولای داعش به عرصه بحران هندوکش و مهم‌تر از همه تشدید اختلافات بین رهبران حکومت وحدت ملی، هیچ چشم‌انداز مثبتی برای حل‌وفصل امور و حفظ ثبات در این کشور دیده نمی‌شود. متأسفانه در هفته‌ها و ماه‌های آینده با توجه به عمق اختلافات موجود باید در انتظار گسترش هرج‌ومرج در عرصه میدانی منازعه و همچنین حوزه سیاسی افغانستان بود. همچنین با توجه به تمرکز نگاه ائتلاف به رهبری آمریکا به حوزه‌های بیرونی دیگری از جمله عراق و سوریه که در راستای انشقاق بیشتر با روسیه رقم خورده است و به‌تبع آن کاهش تأثیرگذاری نیروهای داخلی هم‌اکنون موسوم به «آیساف» در افغانستان که در کنار گسترش‌های داخلی مللی‌وطن‌ضعیتی را در این کشور موجب شده است که بسیار هشدارآمیز خواهد بود. گزارش جدید سازمان ملل متحد درخصوص روند افزایش تلفات انسانی در ۲۰۱۶ ماه تا اکتبر ۲۰۱۶ در افغانستان هم بیش از پیش زنگ خطری را به صدا درآورده است که چنانچه به‌درستی دیده نشود، می‌تواند به فاجعه ختم شود. بنا بر این گزارش، «کشیده‌شدن دامنه نبردها به شهرها و مناطق پرجمعیت در ۹ ماهه نخست اسمال در افغانستان جان ده‌هزارو ۵۶۲ غیرنظامی را گرفته و پنج‌هزارو ۸۳۵ غیرنظامی را زخمی کرده است». در این گزارش بر این موضوع تأکید ویژه شده است که «بخش عمده قربانیان اسمال کودکان بوده‌اند و ۶۳۹ کودک کشته شده و هزارو ۸۲۲ کودک زخمی شده‌اند که افزایش ۱۵ درصدی را نسبت به سال گذشته نشان می‌دهد.

شور‌بختانه هم‌اکنون نه‌تنها هیچ نشانه و پالس مثبتی در عرصه سیاسی و امنیتی افغانستان دیده نمی‌شود که تمام شواهد و مدارک دال بر تشدید خشونت‌ها در عرصه میدانی جنگ و افزایش اختلافات در حوزه سیاسی است. در طول بیش از ۱۵ سال بعد از حمله به افغانستان ازسوی آمریکا و متحدان آن به دلیل درک‌نکردن شرایط قومی – مذهبی این کشور و تمایل به حل‌وفصل سخت‌افزاری بحران نیز هیچ کاتال قابل‌اعتنایی برای مذاکرات شفاف و تأثیرگذار بین بازیگران رقیب داخلی (اپوزیسیون و جناح‌های رقیب یوزیسیون) برای دست‌یابی به یک مصالحه مرضی‌الطرفین هم دیده نمی‌شود. در چنین شرایطی امید به رسیدن به یک راه‌حل سیاسی و حفظ ثبات در افغانستان بیشتر به یک «رویا» می‌ماند که در واقعیت هم‌اکنون به یک «کابوس» بزرگ تبدیل شده است.

یادداشت

ترکیه و فصل نوینی از اعتراض

حسین احمدی‌نیا*

دولت «رجب طیب اردوغان»، رئیس‌جمهوری ترکیه، در طول چند ماه اخیر خصوصا قبل از انتخابات پارلمانی آن کشور، با انجام اقداماتی ایدایی علیه مخالفان، فعالان مدنی، احزاب مخالف و فعالان کرد آن کشور عملا به صورت سیستماتیک قواعد و بنیادهای حقوق‌بشر را نقض و شرایط را مهیای ورود دولت این کشور به فصل جدیدی از اعتراضات مردمی کرده است. ایسن اعتراضات برمی‌گردد به رفتارها و اقدامات اخیر دولت و نقض بنیادین اصول حقوق بشر که به صورت هماهنگ صورت گرفته و پس از کودتای مشکوک اخیر ترکیه به شکل گسترده‌ای افزونی یافته است. دستگیری‌های گسترده بدون مجوز مقام قضائی، لغو مصونیت قضائی نمایندگان حزب «دموکراتیک خلق‌ها» در پارلمان، حمله نظامی به شهرها و مناطق کردنشین، عدم تفکیک بین نظامیان و غیرنظامیان، اخراج و دستگیری شهرداران مناطق کردنشین، شکنجه‌های گسترده، لغو امتیاز شبکه‌های تلویزیونی کردی‌زبان، اخراج کارمندان، افسران، استادان دانشگاه و هرکسی که به‌نوعی با فتح‌الله گولن هم‌کاری یا هم‌فکری داشته و بسیاری موارد دیگر از جمله مصادیق نقض سیستماتیک حقوق شهروندی از سوی دولت اردوغان است. ترکیه از یک‌سو با ورود به شمال عراق با وجود اعتراض دولت عراق در تلاش است توجه دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی را معطوف به جنگ با داعش کند و از دیگرسو فرصت را مغتنم شمرده تا اقتدار مطلق خود را با پایکوت‌کردن مخالفان داخلی، در قالب یک سلطان عثمانی حاکم بر منطقه گسترش دهد.

این در حالی است که ترکیه به سیستم قضائی دادگاه اروپایی حقوق‌بشر پیوسته و قواعد کمسیون قضائی حقوق‌بشر اروپا را پذیرفته و ملزم و مکلف به پاسخ‌گویی و رعایت استانداردهاست. واقعیت مسئله این است که در وهله اول، دولت ترکیه با برنامه‌ریزی هماهنگ و ازقب‌ل‌تعیین‌شده و با اهداف خاصی به صورت سیستماتیک مبادرت به نقض قواعد حقوق‌بشر در ترکیه خصوصا در مناطق کردنشین می‌کند و درزائی دولت ترکیه بسیاری از استانداردها، مقررات و اسناد اتحادیه اروپا را پذیرفته و در چنین حالتی دارای مسئولیت است و براساس این تعهدات بین‌المللی، اتحادیه اروپا، شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد، نهادهای مدافع حقوق بشر و… نباید اجازه تداوم این اعمال غیرحقوق‌بشری دولت ترکیه را بدهند، اما وضعیت خاص خاورمیانه و شرایط استراتژیک ترکیه موجب سکوت معنی‌دار این نهادها در قبال اقدامات اخیر دولت اردوغان شده است. واقعیت مسئله این است که تداوم وضعیت موجود در این کشور نه‌تنها امنیت ترکیه را با چالش اساسی مواجه می‌کند، بلکه امنیت لِرزان منطقه را تحت‌الشعاع خود قرار می‌دهد. انفجار دیاربکر و دستگیری رهبران حزب دموکراتیک خلق‌ها موجب فصل جدیدی از اعتراضات و ناامنی را در ترکیه رقم می‌زنند. این کشور هنوز درگیر حوادث سوریه، داعش، ورود مشکلدار به شمال عراق، بحران داخلی، تورم و بی‌کاری و دستگیری‌های گسترده است و تخصص جدید با کردها و دستگیری رهبران حزب طرفدار کردها می‌تواند برای اردوغان و آشکارا داشتند و حتی از آن کمک دریافت می‌کردند. سیستمی که بعث بود، فاشیست بود، عملیات انفال را علیه کردها اجرا کرد، حلبچه را شیمیایی کرد. ما به هیچ‌کدام از این احزاب نگفتم و نخواستیم این ارتباط را قطع کنند.

ما مردم صلح‌طلبی هستیم، هر دولت و حکومتی که درهای خود را به روی ما بکشاید، نه نخواهیم گفت. همه احزاب کردستان چه باب میل باشد چه نباشد، باید با حکومت‌های منطقه روابط خوبی داشته باشند. زمانی تمام احزاب کردستان ایران، با رژیم بعث روابط عمیق و آشکارا داشتند و حتی از آن کمک دریافت می‌کردند. سیستمی که بعث بود، فاشیست بود، عملیات انفال را علیه کردها اجرا کرد، حلبچه را شیمیایی کرد. ما به هیچ‌کدام از این احزاب نگفتم و نخواستیم این ارتباط را قطع کنند.

«کارشناس حقوق بین‌الملل



گفت‌وگو با «ملابختیار» رئیس اجرائی دفتر سیاسی اتحادیه میهنی کردستان

اولین کشوری که به یاری ما شتافت ایران بود

سامان سلیمانی

شیعیان به حد لازم میان خود اتحاد ندارند، اهل سنت هم به همان شکل و اهل سنت و شیعه با هم مشکل دارند؛ کردها و حکومت مرکزی هم آنچنان که باید با هم متحد نیستند، در این شرایط هم پلای داعش بروز کرد.

کا این به این معناست که مناطقی که به وسیله کردها آزاد شده‌اند، تا تعیین تکلیف نشوند، کردها از این مناطق عقب‌نشینی نخواهند کرد؟
بله، ما به هیچ شیوه‌ای از ایسن مناطق عقب نخواهیم نشست و خواستار اجرای دقیق ماده ۱۴۰ قانون اساسی عراق هستیم که بر تعیین تکلیف مناطق مورد منازعه تأکید دارد.

ک یکی از مسائل دیگری که بسیار به آن توجه شده، مسئله اعلام استقلال اقلیم کردستان عراق است؛ آیا این مسئله صرفا ابزاری سیاسی از طرف یکی از احزاب سیاسی کردستان بود یا واقعا یک خواسته و تقاضای مردمی بوده است؟

به‌عنوان حق، این مسئله و خواسته، حق طبیعی ماست. برای من جای تعجب دارد که چرا مسئله استقلال کردها را این همه بزرگ جلوه می‌دهند. بعد از جنگ جهانی اول، استقلال کردها تحت عنوان ولایت موصل وجود داشته است. قرارداد سور به استقلال کردها اعتراف کرده است. قبل از جنگ جهانی اول، مسئله استقلال، در تمام بخش‌های کردستان مطرح بوده است. در مقطع فعلی، کافی است نگاهی به اروپای شرقی بیندازیم و ببینیم چند کشور در این سال‌ها، عضو سازمان ملل شده‌اند. در واقع شخصا چندین بار این مسئله را مطرح کرده‌ام که به‌عنوان حق، حق طبیعی ما خواهد بود، اما مسئله استقلال کردستان بخشی از پروژه‌ای است که آیا نقشه سیاسی خاورمیانه دچار تغییر خواهد شد یا نه؟ اگر تصمیمی بین‌المللی و همه‌جانبه مطرح نباشد که از سوی سازمان ملل هم حمایت شود، این مسئله شکل نخواهد گرفت. اما در شرایط فعلی و وضعیت موجود، از نظر من این مسئله به این آسانی نیست.

ک یکی از مسائلی که به آن اشاره کردید، اختلافات داخلی میان جریان‌های سیاسی عراقی است. وضعیت داخلی کردستان و وحدت احزاب و جریان‌های سیاسی کردی به چه شکلی است؟ همان‌طور که

اگر مدتی دیگر، اردوغان را در دمشق یا بشار اسد را در آنکارا ببینیم، اصلا جای تعجب ندارد و اوضاع به همین سمت خواهد رفت، اختلافات میان ابرقدرت‌ها نیز به شکلی است که دولت‌های مشابه ترکیه می‌توانند از آن سود ببرند. زمانی که اتاتورک قدرت را در دست گرفت، بیشترین سود را از اختلاف میان روسیه لنینی و بریتانیا و فرانسه برد

شاهد هستیم، در دو سال اخیر مشکلات بر سر مسئله ریاست اقلیم و وضعیت پارلمان کردستان وضعیت آینده را با ابهام مواجه کرده است. آیا امیدی به حل این مسائل می‌بینید؟
متأسفانه شرایط مناسبی نیست؛ بعد از حدود دو سال و بعد از تأسیس دولت ائتلافی در کردستان، ارتباطات سیاسی میان پارت‌دموکرات و جنبش تغییر دچار مشکل شده است. کار به جایی رسید که پارت‌دموکرات پارلمان را تعطیل و وزرای جنبش تغییر را از کابینه اخراج کرد، کم‌کم هم ارتباط میان اتحادیه میهنی و پارت‌دموکرات رو به سردی گرایید که این هم در نتیجه توافقی بود که میان اتحادیه و جنبش تغییر اتفاق افتاد؛ نه توافق اتحادیه میهنی و جنبش تغییر توانست معادلات را تغییر دهد و نه تصمیم پارت‌دموکرات برای تعطیلی پارلمان توانست راه‌حلی برای این بن‌بست باشد. پارت‌دموکرات درحال‌حاضر هم آماده نیست با جنبش تغییر به یک توافق برای حل مسائل دست پیدا کند. شرایط دشوار و پیچیده‌ای است برای ما، اما اتحادیه میهنی نقش و تأثیرگذاری خود را خواهد داشت و مصر هستیم که محور حل مشکلات باشیم. ما پارت‌دموکرات جلسات داریم، با جنبش تغییر توافق معادلات را تغییر دهد و نه تصمیم پارت‌دموکرات برای تعطیلی پارلمان توانست راه‌حلی برای این بن‌بست باشد. پارت‌دموکرات درحال‌حاضر هم آماده نیست با جنبش تغییر به یک توافق برای حل مسائل دست پیدا کند. شرایط دشوار و پیچیده‌ای است برای ما، اما اتحادیه میهنی نقش و تأثیرگذاری خود را خواهد داشت و مصر هستیم که محور حل مشکلات باشیم. ما پارت‌دموکرات جلسات داریم، با جنبش تغییر توافق سیاسی داریم و مرتب متذکر می‌شویم که مسائل باید حل شود، با احزاب اسلامی نیز تاکنون روابط مناسبی داشته‌ایم. ما به‌عنوان اتحادیه میهنی معتقدیم ملحق‌ماندن شرایط سیاسی کردستان و نرسیدن به یک توافق سیاسی، ممکن است با پیش‌آمدن شرایط و مسائل پیش‌بینی‌ناپذیر مشکلات فراوان‌تری برای ما به دنبال داشته باشد، به‌ویژه درباره ترکیه که سیاستش در مورد غرب کردستان مشخص است و درباره شمال نیز می‌خواهد کردهای ترکیه به هیچ‌یک از اهداف خود نرسند. همچنین اجازه ندهد مناطق مورد منازعه تحت ماده ۱۴۰ قانون اساسی عراق، ازجمله کرکوک، خانقین و… به اقلیم کردستان ملحق شوند. در ماه گذشته، در یک ماه، رئیس‌جمهور ترکیه دو بار از توافق لوزان در سال ۱۹۲۳ سخن به میان آورد و گفت ما در مورد ایالت موصل حق و

ارتباطات میان جمهوری اسلامی ایران و اتحادیه میهنی آنچنان که مام جلال طالبانی در خاطرات خود به آن اشاره می‌کنند به زمان تبعید امام خمینی (ره) در نجف برمی‌گردد. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی این ارتباط تداومی روزافزون داشته و مراحل و مقاطع مختلف و مهمی را از سر گذارنده است. بعد از اعلام سیستم فدرالی در عراق و تشکیل حکومت اقلیم کردستان، ایران اولین کشوری بود که آن را به رسمیت شناخت و در دو سال گذشته نیز جمهوری اسلامی ایران، نقشی بی‌بدیل در همکاری با کردها در جنگ و مبارزه علیه داعش داشته است، به شکلی که رئیس اقلیم کردستان در نامه‌ای رسمی مراتب تشکر خود را به رئیس‌جمهور ایران اعلام کرد. در روزهایی که عراق به سمتی می‌رود که از لوث و وجود تروریست‌های تکفیری پاک شود و آخرین مناطق را از آنها بازپس بگیرد، هیات بلندپایه اتحادیه میهنی کردستان که پیشاهنگ مبارزه با داعش بوده، وارد تهران شد و در جلساتی با مقامات بلندپایه جمهوری اسلامی ایران، به بررسی آخرین وضعیت کردستان، عراق و منطقه پرداخت؛ «ملابختیار» از مقامات بلندپایه این جریان سیاسی که علاوه بر اینکه رئیس هیات اجرایی دفتر سیاسی است از فرماندهان ارشد مبارزه علیه داعش بوده، ریاست این هیأت را نیز برعهده داشتند. نکته درخور توجه درباره ملابختیار این است که او پایه‌یای فعالیت سیاسی، در حوزه تفکر و اندیشه نیز فعال بوده و تألیفات زیادی دارند و نگاهی به این آثار نشان می‌دهد مسئله کردها، آزادی و دموکراسی از دغدغه‌های همیشگی و مورد توجه ایشان بوده است. ملابختیار در این گفت‌وگو به بررسی آخرین وضعیت منطقه و عراق و همچنین دستاوردهای سفرشان به ایران می‌پردازند.

ک همان‌طور که همه به‌خوبی می‌دانند کردها در مبارزه علیه داعش، نقش ویژه‌ای ایفا کردند؛ در مقطع اخیر نیز که عملیات آزادسازی موصل جریان دارد، نقش و تأثیر کردها انکار‌نشدنی است؛ آیا کردها برای مقطع بعد از آزادی موصل برنامه‌ای دارند؟ و آیا توافقی سیاسی برای عراق بعد از داعش صورت گرفته است؟

در درجه اول بابت این مصاحبه تشکر می‌کنم. قبل از هر چیزی باید بر این نکته تأکید کنم که ما کردها معتقدیم در سطح ملی عراق و برای استان‌های مختلف ازجمله نینوا و الانبار و… باید برنامه جامعی در تمام حوزه‌ها ازجمله اقتصادی و اجتماعی وجود داشته باشد و در ثبات و امنیت کامل، حقوق مردم تأمین شود. با استقرار مردم در سرزمین خود و بعد از شکست داعش، مسلمان مشکلات عراق کاهش خواهد یافت و این از لحاظ عمق استراتژیک برای ما اهمیت خاصی دارد. شرایط موصل، ویژه است؛ موصل میان سه کشور قرار گرفته؛ عراق، ترکیه و سوریه. سه ملت متفاوت کرد، عرب و ترک در این شهر حضور دارند علاوه بر تنوع مذهبی و دینی. کردستان هم موازی با سه کشور دیگه همسایه موصل است. کمتر شهری در دنیا وجود دارد که با دارابودن بیش از دومیلیون نفر جمعیت، در چنین منطقه ژئوپلیتیک حساسی قرار گرفته باشد. लगा حل مشکلات موصل، برابر با حل مشکلات تمام عراق و نیازمند برنامه و طرحی عمیق و کامل است. بعد از استقرار مردم در شهر و ایجاد آرامش و امنیت در منطقه، ما به‌عنوان کرد، آنچه برایمان اهمیت دارد، اجرای ماده ۱۴۰ قانون اساسی عراق است. شرق موصل و مناطق شگال و اطراف آن، برای ما کردها اهمیت فوق‌العاده‌ای دارد.

ما به‌عنوان اتحادیه میهنی کردستان معتقدیم که این منطقه، تبدیل به یک استان جدید و مستقل شود. اهل سنت هم می‌خواهند منطقه فدرالی مختص به خود را به مرکزیت موصل تشکیل دهند، ترکمن‌ها هم منطقه‌ای به مرکزیت تل‌عفر تشکیل دهند، ایزدی‌ها و دیگران نیز منطقه‌ای به مرکزیت شنگال داشته باشند؛ این درواقع طرح جدیدی است که «اسامه نجفی» و مجموعه‌ای از سیاست‌مداران آن را مطرح کرده‌اند. ما هم معتقدیم که شگال جزئی از اقلیم کردستان شود و طبق قرارداد «سور»، این مناطق به اقلیم کردستان بازگردند.

ک یکی از نکات مهم در این زمینه صحبت‌هایی بود که آقای مسعود بارزانی در روزهای اول شروع عملیات آزادسازی موصل در جبهه‌های جنگ ابراز کردند و گفتند که ما معتقد به انجام توافق سیاسی قبل از شروع عملیات نظامی بودیم، اما به علت تعجیل در شروع عملیات این توافق صورت نگرفت، به نظر شما نبود این توافق به زبان کردها نخواهد بود؟ و آیا بعدا می‌توان به این توافق رسید؟

در سفر اخیری که به بغداد داشتیم و جناب آقای بارزانی مسئول هیات اعزامی کردستان بودند، چندین‌بار این مسئله را مطرح کردیم که با وجود توافق سیاسی و پروژه مدون، اسور بهتر پیش خواهند رفت و بهتر است منطقه را از جنگ‌های طایفه‌ای دور نگه داریم. متأسفانه حتی اهل سنت نیز نتوانستند بر سر این مسئله مصر باشند؛ البته کسانی از اهل سنت بودند که خواستار همین مسئله بودند اما متأسفانه متحد نبودند. در حال حاضر یکی از مسائل مهم عراق این است که متأسفانه